

## متون پهلوی و پارسی کنیسه دورا

B. Geiger «The Middle Iranian Texts» The Syangogue, *The Excavation*

*at Dura - Europos*, Final Report VIII, Part I, Yale University Press, 1956

(متون ایرنی میانه در کنیسه دورا، جزء اول از قسمت هشتم، حفاریات دورا، دانشگاه ییل، ۱۹۵۶)

موضوع این اثر خطوط پهلوی و پارسی است که بر دیوارهای کنیسه شهر دورا، از شهرهای سوریه، که در نتیجه کاوشهای اخیر از زیر خاک بیرون آمده است، بجای مانده است. این خطوط که تا کنون موضوع بحثها و مشاجرات بسیار تند و تعبیرات متباین میان چند تن از دانشمندان بوده است یادگارهایی است که چند تن از ناظران و

---

۱- دورا از شهرهای کهنسال سوریه، در مشرق نینوی قدیم و موصل امروزی قرار داشت. پس از فتح اسکندر، سلوکوس نیکاتر شهر تازه‌ای در آن بنا کرد و کلنی‌های یونانی در آن قرار گرفت. پس از ضعف سلوکها شهر بدست اشکانیان افتاد. بگفته Rostovtzeff «مدنی که دورا تحت حکومت اشکانیان قرار داشت و با شهر پالمیر مرتبط بود درخشان‌ترین و آرام‌ترین و بیرون‌ترین دوره تاریخ آنست». اشکانیان ساکنان یونانی و سامی شهر را در امور مذهبی و فرهنگی و کارهای داخلی آزاد گذاشتند. در همین دوره معابد متعدد در شهر ساخته شد. در اواخر عهد اشکانی در زمان جنگ‌های کاسیوس و روس شهر بدست رومیان افتاد و از این زمان معابد رومی و از جمله معبد معروف شهر ساخته شد. شاپور اول ساسانی در حمله خود بولایات شرقی روم، دورا را متصرف شد و ویران کرد (۲۵۶ میلادی) و دیگر شهر روی آبادانی بخود ندید.

در سال ۱۹۲۱ آثاری ازین شهر مشهود شد و از آن پس یک رشته کاوش در آن انجام گرفت. در شهر معابد و مجسمه‌های گوناگونی که حاکی از تمدن‌ها و مذاهب مختلف است بدست آمد. بعضی آثار این شهر از مهمترین نمونه‌های هنر اشکانی است. بر کنیسه معروف آن که بنقوش و تصاویر فراوان مزین است خطوط و یادگارهای پهلوی و پارسی دیده میشود. (نیز رجوع شود به یادداشت نگارنده در

تماشاگران ایرانی پس از مشاهده نقوش مذهبی کنیسه از خود بجا گذاشته اند. جای خوشوقتی است که پس از یک سلسله قرائتهای نادرست و تعبیرات ناروا، دانشگاه ییل سرانجام بانتشار قرائتی که بادقت علمی و رعایت موازین فنی و بدست محقق صبور و باریک بین، برهارد ۱۳ بگر، حاصل شده توفیق یافته است.

تا کنون بجز برنهارد گایگر سه تن بخواندن این آثار دست زده اند: یکی پرفسور پولوتسکی H. Polotsky که بخواندن قسمتی از این خطوط موفق شد و دریافت که این آثار متعلق به عده ای از «دبیران» (منشیان) زمان شاپور اول است که در سالهای ۲۵۵ و ۲۵۶، یعنی درست قبل از آنکه شهر دورا یکسره بدست شاپور از میان برود، بتماشای کنیسه و نقوش آن رفته و نام خود و دیگر ناظرین را بیادگار در ذیل نقوش ثبت کرده اند. پولوتسکی قرائت خود را هرگز منتشر نساخت، ولی Rostovtzeff نظر پولوتسکی را در *Dura - Europos and its Art*<sup>۱</sup> انتشار داد و از قول وی نقل کرد که این ناظران ممکن است که از جمله سفیران (یا وابستگان آنها) بوده باشند که شاپور قبل از حمله خود بایالت سوریه روم و مقارن آن بشهر دورا گسیل داشته است. اما آنتونیو پالیارو A. paliaro که نخست در ۱۹۳۶ قرائت خود را از کتیبه شماره ۴۲ انتشار داد و پنج سال بعد ده کتیبه پهلوی ازین کتیبه ها را منتشر ساخت (متن و تصویر و ترجمه و حواشی)<sup>۲</sup> نتایج دیگری برای خود حاصل کرد: از این که نامهای اشخاص نامهای ایرانی، و گاه شماری زردشتی، و مبدأ تاریخ مطالب جلوس شاپور اول، و خط کتیبه ها خط پهلوی است، پالیارو تصور کرد که اینها یادگار نقاشان ایرانی است که نقوش کنیسه را کشیده اند، و از این رو کلمه *dpīwar* (دبیر) را بمعنی نقاش و نگار گرفت و تلاش کرد تا ثابت کند که کلمه «دبیر» برای نقاش و کاتب هر دو بکار میرفته. نیز دو متن را که باخراش روی دیوار کنده اند و بزبان پارتی است

۱- صفحات ۱۱۳ و ۱۴۹ و بعد، ص ۲۹۱ اثر مورد بحث دیده شود.

۲- ص ۲۸۵ از اثر مورد بحث.

اثر «یهودیان ایرانی شده» فرض کرد.

اشتباه پالیارو در معنی دبیر که فقط بمعنی منشی و کاتب است او را بفرضیه های نادرست کشاند، و هم چنین خطای وی در خواندن عده ای از کلمات دیگر او را بتصورات بعید و تخیل اصطلاحات «فتی» خاص در زبان پهلوی انداخت.<sup>۱</sup> با اینهمه پالیارو نه تنها بعضی از کلمات مانند BYRX (ماه) و YWM (روز) و BYT (خانه) و غیره را درست خواند بلکه در انتساب این آثار بزمان شاپور اول ساسانی نیز صائب بود.

اما فراتر آلتهایم F. Altheim که در ۱۹۵۲ قرائت خود را از این کتیبه ها و دو سند که بروی پارشمن نوشته شده منتشر ساخت، با همه شهرتش با اشتباهات بزرگتری دچار شد<sup>۲</sup> و بی آنکه زمینه کافی در مطالعات ایرانی و کتیبه های پهلوی داشته باشد دست بساختن فرضیه های غریب زد.

آلتهایم نه تنها تصور مغلوپ پالیارو را در نقاش بودن دبیران پذیرفت، بلکه با اشتباهات متنوع در خواندن کلمات و عبارات بر تصورات غلط افزود. از جمله معتقد شد که این «نقاشان» یهودیان ایرانی نژاد بوده اند که در تزیین کاخ بزرگان ایرانی نیز کار کرده اند و عدد آنها «سی تن» بوده است، و یکی از آنها «نقاش شاپور» بوده است. ازین گذشته آلتهایم با خواندن کلمه  $\text{šnt} \text{ xix}$  «شاد» بصورت  $\text{šnt} \text{ xix}$  (سال ۱۸) مدعی شد که این آثار در سال هیجدهم از سلطنت شاپور نوشته شده و بنا بر این شهر دورا که بر حسب همه قرائن در سال ۲۵۶/۲۵۷ میلادی بدست شاپور منهدم گردید تا سال ۲۵۹/۶۰ برجای بوده.<sup>۳</sup> و نیز گمان برد که «نقاش شاپور» *Maler des Schapur*

۱- صفحات ۸۸ - ۲۸۵ از اثر مورد بحث دیده شود.

۲- F. Altheim R. Stehl, *Asien und Rom: Neue Urkunden aus sassanidischer Frühzeit*, 1952

۳- این نظر را آلتهایم حتی در سال ۱۹۵۴، در کتاب *Ein asiatischer Staat* توسط F. Altheim

و R. Stiehl جلد اول، تأکید می کند (ص ۲۸۹ کتاب مورد بحث).

برای سنجش عقاید آلتهایم در باب کاوشهای شهر دورا و اشتباهات او در خواندن دو قطعه پارشمن و

فرضیه های ناصواب او درین باب رجوع شود به انتقاد W. B. Henning در *Gnomon*، سال ۱۹۵۴.

صفحه ۴۷۶ و بعد.

را که اکنون گایگر *dpvārvy ZY shmy* میخواند میتوان از مأموران سیاسی شاپور اول محسوب داشت!

اکنون روشن است که فرضیه‌های نادرست و دامنه‌داری که آلتهایم پیش آورده همد مبتنی بر خطای قرائت است، و گایگر با سانس توانسته است اساس همه این فرضیه‌ها را با قرائت درست کلمات و انتشار تصاویر بسیار خوبی از کتیبه‌ها باطل کند<sup>۱</sup> در مورد معنی لفظ «دبیر» (*dpvārvy, dpvrvy*) تردید نمیتوان کرد که چه در کتیبه‌ها و چه در آثار پهلوی کتابی و چه در آثار مانوی تورفان دبیر، چنانکه گایگر با امثله متعدد نشان میدهد بمعنی منشی و کاتب است نه نقاش (در پهلوی تورفان *dipīrīh* و در پارسی *dišīrīft = دبیری*؛ برای نقاش *ni-ārgar* بکار میرود، چنانکه از عباراتی مانند *ni-ārgar ke... az range gōnar- gōnar- pahikar ni-āreč* یعنی «نگارگر که... از رنگ گونه‌گونه‌بیکر می‌نگارد.» و *brāōrān dišīrā {n} ni-ārgān* *ni-ār d'ār* یعنی «ببرادران دبیران با کتاب نگار (مصور)<sup>۲</sup>».

قرائت گایگر بطور کلی نظریه پولوتسکی را تأیید می‌کند، یعنی این خطوط را باید اثر دبیران و ناظران دیگری از ایرانیان شمرد که در سال آخر حیات شهر دورا بتماشای کنیسه رفته و یادگاری از خود بجا گذاشته‌اند.

این یادگارها طرح خاصی دارد که عموماً در همه آنها با بعضی تفاوتها تکرار میشود، باین نحو: در فلان تاریخ (سال و ماه و روز)، فلان دبیر (تنها یا با چند تن دیگر) به کنیسه آمد و این تصاویر را تماشا کرد (ص ۲۹۲). مثلاً در کتیبه شماره ۴۲

جلد ۲۶ صفحات ۴۸۰-۴۷۶ که در آن دو کتاب *Asien und Rom* مذکور و کتاب *Das erste Auftreten der Hünen Das altere der Jesaja-Rolle. Neue Urkunden aus Dura-Europos, Baden-Baden, 1951*

مورد بحث قرار گرفته.

۱- ص ۲۸۸-۲۹۲ و غیره. باینهمه التهایم در دو کتابی که سرعت پس از انتشار قرائت گایگر منتشر

ساخته: *Finanzgeschichte der Spätantike* (فرانکفورت آن ماین، ۱۹۵۷) و *Supplementum Aramaicum*

*Aramaisches aus Iran* (بادن بادن، ۱۹۵۷) از تصورات خود دفاع می‌کند.

میخوانیم

BYRX prwrtyn QDM  
 ŠNT 15 WYWM lšnw  
 'MT yzd'ntχ[m]pr[n]by  
 dpywr ZY zhmy 'L  
 ZNH BYT' P-š ZNH nk'  
 'ptēyt

māh fravartīn apar  
 sāl 15 ut rōč rašnu  
 kaš yazdāntaχ[m]-far[n]bay  
 dipiwar ī zahmē ō  
 ēn zānak u-š ēn nikār  
 'patēit

ماه فروردین در سال پانزده و روز رشن که « بزدان تهم فرن  
 بی» کاتب بنا باین خانه (آمد) و این نگار را نگریست

گایگر، چنانکه باید، توجه خواننده را باین نکته جلب می کند که این  
 نوع یاد گارها پیرو همان شیوه متداولی است که در دو کتیبه پهلوی تخت جمشید  
 دیده میشود.

این دو کتیبه (Pers. I و Pers. II) یکی از شایور سکانشاه است و دیگری از کاور  
 (Kāvar) که هنگام گذشتن از تخت جمشید یاد گاری بردیوار بنانویسانده اند.<sup>۱</sup>  
 این کتیبه ها و یاد گارها با وجود اختصارشان گذشته از فوائد تاریخی، شامل  
 فوائد لغوی و زبانشناسی بسیارند، وهم چنین از لحاظ آشنائی با خط پهلوی و پارسی  
 اهمیت دارند، چه خطوط این آثار از قدیمترین خطوط تحریری پهلوی و پارسی  
 بشمار میروند و صور تازه ای از حروف بسیط و مرکب را آشکار میسازد.  
 در قرائت گایگر عده ای کلمات و اسامی تازه یافت میشود که در آثار دیگر پهلوی  
 دیده نشده. هم چنین این آثار با وجود اختصارشان مشکلات متعددی پیش  
 می آورند که تتبع ایران شناسان را بخود معطوف خواهد داشت.

از اسامی ایرانی درین آثار به

Hormazd, و (۴۳) Yazdān-Pes (قطعه ۲۴) و Yazdāntaχ[m]-Far[n]bay  
 Nxy't'p' و (۴۷) Mahrsband و (۵۱) Artāv و (۴۶) Ragnak و (۵۰ و ۴۹ و ۴۴)  
 و (۴۵) Pākōr و Burz - ātu [r] و (۴۸) Far(r)axv و Hupāl و (Naxv - ātāp?)  
 و (۵۲) Aparsām و (۵۶)

۱- ص ۲۹۲ و «پایکولی» اثر هرتسفلد، صفحات ۱۲۱ و بعد.

۲- اعدادی که در براتر است شماره کتیبه ها و مخطوطات است.

اما کلمات تازه نیز بنسبت قطعات کم نیست. مهمترین نکته اینست که کلمات درست خوانده شده باشد. ازین لحاظ قرائت پرفسور گایگر طرف نسبت باقراآتتهای قبلی نیست و در قابل اعتماد بودن قرائت گایگر بطور کلی تردید نمیتوان کرد. تصاویر قطعات که طبع شده است میتواند پشتیبان چنین اعتمادی باشد.

از کلمات تازه که پرفسور گایگر در توضیح آنها کوشیده است میتوان *ndvšyt* ( بجای *niyigil*، معادل *nišio* در پهلوی تورفان = نگاه کرد، ص ۲۹۳) و *radak* = بنا، ساختمان (از ریشه *rad* و *raz*، ص ۲۹۹) و *zandak* (این کلمه را گایگر در عبارت *zandakē yahūdān* بمعنی سالاریا پیشوای یهودان می گیرد، هر چند از متن کتیبه بدرستی بر نمیاید که این کلمه معادل چه سمتی بوده است - و باتکای قول Lieberman احتمال میدهد که این کلمه با کلمه *endvq* عبری که *Ginzberg* آنرا بمعنی «مرتد» و باز ندیق عربی (*zandik* پهلوی) مربوط گرفته بود، و حقا بمعنی بزرگ و پیشوا و معتبر است، ارتباط داشته باشد و اصل آن نیز شاید ایرانی باشد (ص ۳ - ۳۰۰ و ۲۹۹) *zahmy* = بنا (مربوط با «زخم» فارسی، ص ۲۹۸ و ۳۰۱) و *patrastak* = خانه، سرا (ص ۳۰۵) و *by'm'y* (تصویر؟) و *patšēt* (= نگاه کرد، نظر کرد). این کلمه در تصاویر *psčyt* دیده میشود که گایگر آنرا بجای غلط کتاب می شمارد (برای تفصیل نظر گایگر بصفحه ۴ - ۲۹۳ رجوع شود).

متأسفانه در طبع فعلی پرفسور گایگر موفق بانتشار تمام مدارک و اسناد خود و بخصوص نسخدهای دستی که خود طرح کرده است نشده و انتشار این مدارک را به طبع کاملتری (*editio major*) وا گذاشته است. امید است مؤلف محترم هر چه زودتر بطبع اثر مفصلتر خود درباب این آثار موفق شود.

**احسان یارشاطر**